

## مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین موسی الرضا تیموری\*

### اشاره

مرجعیت علمی اهل بیت عصمت و طهارت، از مسائل مهمی است که می توان ادعای اتفاق مسلمانان بر آن نمود. بسیاری از عالمان و اندیشمندان اسلامی به ویژه مفسران و متکلمان در مباحث خود به این موضوع مهم پرداخته اند؛ زیرا اهل بیت رسول خدا ﷺ در بین امت اسلامی از آغاز عصر نبوی تاکنون، جایگاه ویژه و والایی داشته اند و بر اساس صریح آیات قرآن و احادیث نبوی، از قداست و عصمت برخوردارند؛ همچنین همانند رسول خدا، مبین و مفسر اسلام و پناه و مرجعی برای رجوع امت اسلامی برای فهم دقیق دین و مبانی آن و پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه ها هستند.

آنچه ضرورت بحث مرجعیت علمی اهل بیت را دوچندان می کند، اختلاف فرقه های اسلامی درباره مرجعیت سیاسی اهل بیت و جانشینی بلافصل آنان از پیامبر اکرم است. شیعیان معتقدند اهل بیت پیامبر افزون بر داشتن مرجعیت علمی، مرجع دینی و سیاسی پس از رسول خدا نیز هستند و دلایل قرآنی و روایی زیادی بر این مطلب ارائه می دهند. از سوی دیگر برخی از فرقه های اسلامی، امامت و رهبری بعد از پیامبر را از فروع فقهی دانسته اند و انتخاب امام را از وظایف مردم می دانند. با وجود این اختلاف، مرجعیت علمی اهل بیت را می توان محور وحدت امت اسلامی بیان کرد. این نوشتار درصدد بیان این محور و نظرات و دیدگاه های خلفا و عالمان اهل سنت در این موضوع است.

\* دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

### مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، زمینه ساز وحدت

مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام و تعیین آنان در جایگاه مرجع دینی پس از پیامبر اکرم، از موضوعاتی است که می تواند بر اختلاف های تاریخی و عقیدتی مسلمانان چیره گردد و فصل مشترکی بر گردهم آیی مسلمانان در حال و آینده شود. همچنین با اثبات مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام که نمونه های فراوانی در تاریخ و سیره مسلمانان نقل شده است، می توان اختلاف و چندگانگی بین امت اسلامی را از بین برد.

منظور از مرجعیت علمی، محل رجوع بودن است؛ یعنی همان طور که افراد جامعه با توجه به تخصص های خود محل رجوع دیگران قرار می گیرند و سخن و گفتار آنان پذیرفته می شود، اهل بیت علیهم السلام هم به مثابه افرادی اعلم و صاحب نظر محل رجوع مردم هستند و مردم باید در مسائلی مانند شرح و تفسیر قرآن کریم، تفسیر صحیح سنت نبوی، تبیین مباحث اعتقادی و عملی، فقه و احکام الهی و سیاسی به این انوار پاک مراجعه کنند.

### منزلت و جایگاه علمی اهل بیت پیامبر علیهم السلام در امت اسلامی

با وجود مکتب های فقهی و کلامی متعددی در میان مسلمانان در طول اعصار گذشته تاکنون، اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام جایگاهی ویژه در بین امت اسلامی دارند؛ به گونه ای که مسلمانان از صدر اسلام تاکنون، جایگاه علمی و معنوی اهل بیت علیهم السلام را برتر از دیگر صحابه و تابعان و فقیهان می دانند. حتی با وجود سیاست های ظالمانه حاکمان اموی و عباسی و تخریب شدید جایگاه و مقام اهل بیت، نتوانستند مانع این مقام و منزلت بلند مرتبه شوند؛ از این رو این مهم همچنان استوار در دل های مسلمانان باقی مانده است.

تمام تلاش حاکمان جور برای خاموش کردن نور و مقام رفیع اهل بیت و حذف فیزیکی آنها هم بدین سبب بوده است که این جایگاه بلند علمی و معنوی را در نگاه امت اسلامی خدشه دار کنند و توجه مسلمانان را از اهل بیت و مرجعیت آنان در امت اسلامی منحرف و به سوی دیگران متوجه سازند.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در دوران خلفا و با وجود مشکلات متعدد بعد از رحلت نبی مکرم اسلام و شرایط پیچیده ای که بر جامعه اسلامی حاکم بود و خطر از بین رفتن اصل اسلام جدی بود، در بسیاری از مشکلات و مسائل سیاسی، اجتماعی و احکام دینی، مرجعی برای مشورت و حلال

۱. محمدعلی تسخیری، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۸.

مشکلات از سوی مردم و خلفا قرار گرفتند و دقیقاً به مصداق حدیث شریف رسول خدا عمل نمود که به او فرمود: «فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْزُ النَّعِيمِ»<sup>۱</sup> به خدا سوگند، اگر خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، از شتران سرخ‌موبرای تو بهتر است». بر همین اساس اصحاب پیامبر خدا، بارها تأکیدات آن نبی مکرم را بر رجوع امت اسلامی به امام علی علیه السلام و خاندان پاکش که سرچشمه دانش و منبع علوم مختلف مورد نیاز بشر هستند، شنیده بودند و در آثار اسلامی این مهم به ثبت رسیده است.

### مرجعیت و مقام علمی اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه برخی از صحابه و خلفای اهل سنت

هر کدام از صحابه پیامبر و خلفای اهل سنت با عباراتی صریح به جایگاه و مقام علمی اهل بیت به‌ویژه امام علی علیه السلام اشاره کرده‌اند؛ همچنین در موارد متعدد و مشکلات مختلف به اهل بیت علیهم السلام رجوع می‌کردند که این مراجعه نشان می‌دهد امامت و مرجعیت علمی اهل بیت به‌ویژه امام علی علیه السلام حتی برای خلفا کاملاً شناخته‌شده و مقبول آنان بوده است. برای نمونه می‌توان توصیف امام علی علیه السلام و جایگاه خاص ایشان در نزد ابوبکر را از این روایت حارث بن اعور فهمید که بیان می‌کند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان جمعی از یاران خود فرمود: به شما نشان می‌دهم آدم علیه السلام را از جنبه علمش و نوح را از جنبه فهمش و ابراهیم را از جنبه حکمتش؛ پس چیزی نگذشت که علی وارد شد. ابوبکر عرضه داشت: یا رسول الله اقتست رجلاً بثلاثة من الرسل، يخ بئ هذا الرجل، من هو يا رسول الله؟ قال النبي صلی الله علیه و آله: او لا تعرفه يا ابا بكر؟ قال: الله ورسوله اعلم. قال: هو ابوالحسن علي بن ابي طالب علیه السلام فقال ابوبكر: يخ بئ لك يا ابالحسن واین مثلک یا ابالحسن: <sup>۲</sup> ابوبکر گفت: ای رسول خدا، مردی را با سه نفر از پیامبران برابر کردی؛ به‌به به این مرد، او کیست ای رسول خدا؟ پیامبر فرمود: آیا او را نمی‌شناسی ای ابابکر؟ ابوبکر عرض کرد: خدا و رسولش داناترند. حضرت فرمود: او ابولحسن علی بن ابی طالب است. پس ابوبکر گفت: به‌به به تو ای ابولحسن، مثل تو کجا خواهد بود ای ابولحسن».

ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح خود از ابوبکر نقل می‌کند که وی گفت: «ای مسلمانان این علی وارث علم پیامبر است؛ هرکه در راستی او شک کند، منافق است».<sup>۳</sup>

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۳۵۷، ح ۳۴۹۸ (باب مناقب علی بن ابی طالب).

۲. موفق بن احمد خوارزمی، المناقب، فصل ۷، ص ۴۵.

۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۹۷.

شیخ طوسی عالم بزرگ اسلامی می نویسد:

در زمان خلافت ابوبکر، مردی را به اتهام شرب خمر نزد وی بردند. مرد به گناه خویش اقرار کرد و گفت: در جایی زندگی می کنم که نوشیدن خمر و خوردن مردار را حلال می شمرند و اگر می دانستم حرام است، نمی نوشیدم. خلیفه از عمر بن خطاب درباره حکم او پرسید. عمر گفت: مشکلی است که جز ابوالحسن کسی آن را حل نتواند کرد؛ آن گاه هر سه روانه خانه امام ع شدند. امام فرمود: کسی را همراهش بفرستید تا او را به مهاجران و انصار نشان دهد و معلوم شود که آیا کسی آیه تحریم شراب را برای او خوانده است یا نه. آنان چنین کردند و چون کسی از مهاجران و انصار به خواندن آیه تحریم شراب بر او شهادت نداد، رهایش کردند.<sup>۱</sup>

خلیفه دوم اهل سنت نیز بارها به اعلمیت و مرجعیت امام علی ع تصریح کرده است. در تاریخ نقل است که عمر بن خطاب در هنگام استلام حجرالاسود اظهار داشت: «می دانم تو سنگی و سود و زبانی نداری، اگر ندیده بودم که پیغمبر تو را می بوسد، تو را نمی بوسیدم. امام علی ع به او فرمود: او هم سود می رساند و هم زیان؛ خداوند پیمان عالم ذر را در این سنگ به ودیعت نهاد و این سنگ در قیامت به سود کسانی که وفای به عهد کردند، گواهی دهد. عمر گفت: أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَعِيشَ فِي قَوْمٍ لَسْتُ فِيهِمْ يَا أَبَیْ الْحَسَنِ<sup>۲</sup> ای ابالحسن، خدا مرا در قوم و گروهی که تو آنجا نباشی، زنده نگذارد».

مناوی نویسنده کتاب فیض القدر می نویسد: «أَنْ عَمَرَ كَانِ يَسْأَلُ عَلِيًّا عَنْ شَيْءٍ فَأَجَابَهُ فَقَالَ عُمَرُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَعِيشَ فِي قَوْمٍ لَسْتُ فِيهِمْ يَا أَبَیْ الْحَسَنِ<sup>۳</sup> عمر بن خطاب پرسش های خود را از حضرت علی ع می پرسید و آن حضرت پاسخ می داد. عمر گفت: ای ابوالحسن، من پناه می برم به خدا از اینکه در میان قومی باشم که تو در آنجا حضور نداشته باشی».

قاضی عضدالدین ایجی از عالمان مشهور اهل سنت در علم کلام در بیان ادله اعلمیت حضرت علی ع در میان اصحاب رسول خدا ص جریانی را نقل می کند<sup>۴</sup> که ابن عبدالبر در کتاب خود آن را مفصل تر ذکر کرده است:

۱. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه کتاب الحدود، ج ۱۰، ص ۹۴، ح ۱۸.

۲. ابوعبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۷.

۳. عبدالرئوف مناوی، فیض القدر، ج ۴، ص ۳۵۷.

۴. قاضی عضدالدین ایجی، مواقف، ج ۳، ص ۶۳۶.

كان عمر يتعوذ بالله من معضلة ليس لها أبو الحسن وقال في المجنونة التي أمر برجمها وفي التي وضعت لستة أشهر فأراد عمر رجمها فقال له علي إن الله تعالى يقول وحمله وفصاله ثلاثون شهرا الحديث وقال له إن الله رفع القلم عن المجنون الحديث فكان عمر يقول لولا علي لهلك عمر<sup>۱</sup>

عمر بارها به خدا پناه می برد از اینکه مشکل علمی برایش پیش آید و علی نباشد. یکی از این موارد، زن دیوانه‌ای بود که دستور رجم و سنگسار وی را صادر کرد و دیگری هم زنی که شش ماهه وضع حمل کرده بود و عمر می خواست بر وی حد جاری کند. علی علیه السلام فرمود: خداوند فرموده است دوران بارداری و شیردهی سی ماه است و نیز فرمود: خدای سبحان از مجنون تکلیف را برداشته است. در چنین مواردی بود که عمر می گفت: اگر علی نبود، عمر هلاک می شد.

در حالات عثمان بن عفان سومین خلیفه اهل سنت نیز نمونه‌هایی از مراجعه علمی او به امام علی ذکر شده است؛ برای نمونه گفته‌اند عده‌ای پرنده‌ای را شکار کرده و برای عثمان که در حالت احرام حج بود، آوردند. برخی در مورد خوردن آن در حالت احرام اشکال کردند؛ از این رو عثمان شخصی را به دنبال حضرت علی فرستاد تا حکم فقهی را از او بپرسد و امام نیز پاسخ داد و موضوع با حکم امام حل شد.<sup>۲</sup>

عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بسیاری از احکام شرعی را که از او پرسیده می شد، به امام علی علیه السلام ارجاع می داد و بیان می داشت: «علیک باین ابی طالب لتساله»<sup>۳</sup> این سؤال را باید از فرزند ابوطالب بپرسی». وی شخصی را که در موضوع مسح کشیدن هنگام وضوی بر کفش و جوراب از او پرسیده بود، پاسخ داد: «إتت علیا فإِنَّهُ أَعْلَمُ بِذَلِكَ مِنِّي»<sup>۴</sup> این سؤال را باید از علی ابن ابی طالب بپرسی؛ زیرا او در این موضوع از من داناتر است».

حاکم نیشابوری نقل می کند فردی به امام علی علیه السلام جسارت و تعرضی کرد؛ سعد بن ابی وقاص که در آن مجلس حاضر بود، او را سرزنش و عتاب کرد و گفت: «الم یکن اول من

۱. محمد بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۱۱۰۳.

۲. احمد ابن حنبل، مسند، ج ۱ ص ۱۶۱؛ علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۲۵۴.

۳. احمد ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، حدیث ۲۷۶؛ احمد بن شعیب نسائی، صحیح النسائی، ج ۱، ص ۹۶-۱۰۰.

اسلم؟ الم یکن اول من صلی مع رسول الله؟ الم یکن اعلم الناس؟<sup>۱</sup> آیا علی اولین کسی نیست که اسلام آورده است؟ آیا او اولین شخصی که به همراه پیامبر خدا نماز خواند نیست؟ آیا او داناترین مردم نیست؟».

ابن عبدالبر می نویسد: معاویه درباره مسائلی که برای او اتفاق می افتاد یا از وی پرسیده می شد، با فرستادن نامه به آشنایان خود از آنها می خواست تا از علی ابن ابی طالب بپرسند و آن هنگام که خبر شهادت حضرت علی علیه السلام به او رسید که حاکم شام بود، گفت: «ذهب الفقه و العلم بموت علی ابن ابیطالب: با مرگ علی، فقه و علم از میان رفت». عتبه برادر معاویه که در جلسه حاضر بود، گفت: مردم شام این حرف را از تو نمی پذیرند. معاویه گفت: مرا به خود واگذار، واقعیات را نمی توان انکار کرد.<sup>۲</sup> همچنین در نقل دیگری بیان شده است هنگامی که خبر شهادت امام علی علیه السلام را به معاویه دادند، او با گفتن استرجاع، شروع به گریه کرد. همسر وی فاخته به او گفت: تو بر او طعن می کردی و در حق او ناسزا می گفتی و حال امروز برای او گریه می کنی؟ معاویه پاسخ داد: «ویحک انا ابکی لما فقدت الناس من علمه و حلمه، و یلک لاتدرین ما ذهب من علمه و فضله و سوابقه»<sup>۳</sup> وای بر تو ای فاخته، من برای فقدان مردم از علم و حلم علی گریه می کنم و تو آنچه از علم و سوابق و فضل علی از بین رفت را نمی دانی».

در جریان دیگری نقل شده است که مردی از معاویه مسئله ای را پرسید. وی او را به حضرت علی علیه السلام ارجاع داد و گفت: از علی پرس که او علمش بیشتر از من است. سؤال کننده گفت: می خواهم پاسخ تو را بشنوم. معاویه پاسخ داد: ساکت باش، از مردی خوش نمی آید که رسول خدا دانش او را قوی و محکم کرد و بزرگان از اصحاب به این موضوع اعتراف داشتند.<sup>۴</sup>

### مرجعیت علمی اهل بیت از دیدگاه برخی از ائمه مذاهب و عالمان اهل سنت

بسیاری از ائمه مذاهب اسلامی و فقیهان و عالمان اهل سنت بلاواسطه یا با واسطه، علوم و معارف دینی را از ائمه اهل بیت علیهم السلام دریافت نموده اند و برخی از آنان نزد ائمه اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام باقر و امام صادق علیهم السلام تلمذ و شاگردی کرده اند؛ به گونه ای که تا چهارهزار نفر از

۱. ابو عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۹۹.

۲. محمد بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۴۶۳؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۱۶۹.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مناقب، ص ۲۸۳؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۴۰۶-۴۰۹.

۴. عبدالرئوف مناوی، فیض القدر، ج ۳، ص ۴۶.

فقیهان و محدثان که از امام صادق علیه السلام روایت کرده یا نزد او درس خوانده‌اند را ذکر کرده‌اند<sup>۱</sup> که از جمله آنها می‌توان به ابوحنیفه، سفیان ثوری، مالک ابن انس، ابن جریح، یحیی ابن سعید<sup>۲</sup> و ... اشاره کرد. ابوحنیفه امام مذهب حنفیان به صراحت بیان می‌کند: «ما رأیت أفتقه من جعفر بن محمد: <sup>۳</sup> من کسی را فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم». او دو سال شاگردی امام جعفر صادق علیه السلام را نقطه عطف زندگی خود می‌داند و جمله معروف «لولا السنن لهلك النعمان»؛<sup>۴</sup> اگر آن دو سال نبود، نعمان (ابوحنیفه) هلاک می‌شد»، بیان‌کننده اصل شاگردی و افتخار به مقام علمی امام است و گواه متقن بر جایگاه و مرجعیت علمی و بهره از خرمن علمی ائمه اهل بیت توسط عالمان اهل سنت دارد.

ابوحنیفه در بیانی دیگر، عظمت مقام علمی امام صادق علیه السلام را این‌گونه بیان می‌کند: «لولا جعفر بن محمد ما علم الناس مناسک حجهم»<sup>۵</sup>: اگر جعفر بن محمد نبود، مردم احکام و مناسک حجشان را نمی‌دانستند».

مالک ابن انس پیشوای مذهب مالکی درباره شخصیت امام جعفر صادق علیه السلام می‌گوید: «مارأت عین ولا سمعت أذن ولا خطر علی قلب بشر أفضل من جعفر بن محمد علماً و عبادتاً و ورعاً»<sup>۶</sup>: هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده کسی که از حیث علم و عبادت و تقوا از جعفر بن محمد بافضیلت‌تر باشد». در شرح حال مالک گفته شده است: «كان مالك بن انس يستمع من جعفر بن محمد وكثيرا ما يذكر من سماعه عنه و ربما قال حدثني الثقة يعنیه»<sup>۷</sup>: مالک بن انس از جعفر بن محمد حدیث می‌شنید و آنچه را که از حضرت شنیده بود، نقل می‌کرد و می‌گفت: این حدیث را مرد ثقه به من حدیث کرده است. و مرادش از مرد ثقه و مورد اعتماد، امام صادق بود».

احمد بن حنبل امام مذهب حنابله در کتاب مسند خود این حدیث را از امام علی علیه السلام نقل

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۶۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۴۷.

۳. شمس الدین ابو عبدالله ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶.

۴. محمود آلوسی، مختصر التحفة الاثني عشرية، ص ۸.

۵. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۶. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴.

۷. قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضایل ائمه الاطهار، ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۱۲۰۳.

می‌کند که آن حضرت در بالای منبر می‌فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی سلونی عن طرق السموات فإني اعلم بها من طرق الارض»<sup>۱</sup> از من پرسید، قبل از اینکه مرا نیابید. از من از راه‌های آسمان‌ها سؤال کنید؛ پس به درستی که من عالم‌ترم به راه‌های آسمان‌ها از راه‌های زمین».

ابن حجر هیتمی در کتاب الصواعق المحرقة درباره امام صادق علیه السلام می‌نویسد: «مردم از آن حضرت دانش‌های بسیاری فراگرفته‌اند؛ این علوم و دانش‌ها توسط مسافران به همه جا راه یافت و سرانجام آوازه جعفر بن محمد در همه جا پیچیده شد. عالمان بزرگی مانند یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک ابن انس، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او حدیث نقل کرده‌اند»<sup>۲</sup>.

میرعلی هندی از عالمان نامدار اهل سنت درباره عظمت علمی و اخلاقی امام صادق علیه السلام می‌گوید:

آرا و فتاوی دینی تنها نزد سادات و شخصیت‌های فاطمی رنگ فلسفی به خود گرفته بود. گسترش علم در آن زمان، روح بحث و جستجو را برانگیخته بود و بحث‌ها و گفتگوهای فلسفی در همه اجتماعات رواج یافته بود. شایسته ذکر است که رهبری این حرکت فکری را حوزه علمی‌ای که در مدینه شکوفا شد، بر عهده داشت. این حوزه را نبیره علی بن ابی طالب به نام امام جعفر علیه السلام که صادق لقب داشت، تأسیس کرد. او پژوهشگری فعال و متفکری بزرگ بود و با علوم آن عصر به خوبی آشنایی داشت و نخستین کسی بود که مدارس فلسفی اصلی را در اسلام تأسیس کرد. در مجالس درس او تنها کسانی که بعدها مذاهب فقهی را تأسیس کردند، شرکت نمی‌کردند، بلکه فلاسفه و طلاب فلسفه از مناطق دوردست در آن حاضر می‌شدند. حسن بصری مؤسس مکتب فلسفی بصره و واصل بن عطا مؤسس مذهب معتزله از شاگردان او بودند که از زلال چشمه دانش او سیراب می‌شدند.<sup>۳</sup>

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۳.

۲. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۰۱. ۲۴؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۳۵۲.

۳. علی امیر، مختصر تاریخ العرب، ص ۱۹۳؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۳۵۲.



## کتاب نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، قم: نشر اسلامی، [بی تا].
۲. ابن حنبل، احمد، مسند، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحديث، [بی تا].
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه، [بی تا].
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، تحقیق: هاشم رسولی، قم: علامه، [بی تا].
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ ق.
۶. ابن عساکر، علی بن حسین، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۷. امیر، علی، مختصر تاریخ العرب، بیروت: دارالعلم للملایین، [بی تا].
۸. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، [بی تا].
۹. ایچی، قاضی عضدالدین، مواقف، قم: الشریف الرضی، [بی تا].
۱۰. آلوسی، محمود، مختصر التحفة الاثنی عشریة، قاهره: المطبعة السلفية، [بی تا].
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، جامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه و آله وسننه وأيامه معروف به صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، [بی تا].
۱۳. تسخیری، محمد علی، وحدت امت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، ترجمه: میرآقایی، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۶. خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب، تحقیق: موسوی خراسان، نجف: المطبعة الحیدریة، [بی تا].

١٧. ذهبي، شمس الدين محمد، تذكرة الحفاظ، بيروت: دارالكتب العلمية، [بي تا].
١٨. طوسي، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، تصحيح و تعليق: علي اكبر غفاري، تهران: مكتبه صدوق، [بي تا].
١٩. عسقلاني، ابن حجر، تهذيب التهذيب، بيروت: دارصادر، [بي تا].
٢٠. فيروزآبادي، سيدمرتضى، فضائل الخمسة، لبنان: المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام، [بي تا].
٢١. كوفي، ابن اعثم، الفتوح، محقق: علي شيري، بيروت: دارالأضواء، [بي تا].
٢٢. متقى هندی، علي بن حسام الدين، كنز العمال، بيروت: مؤسسة الرسالة، [بي تا].
٢٣. المناوي، عبدالرئوف، فيض القدير شرح الجامع الصغير، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، [بي تا].
٢٤. نيشابوري، مسلم، صحيح، تحقيق: عبدالباقي، قاهره: دارالحديث، [بي تا].
٢٥. الهيثمي، ابن حجر، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، تحقيق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي، بيروت: مؤسسة الرسالة، [بي تا].